کتب خانۂ آصفیہ سرکار عالی حیدرآباد دکن

نمبر داخلہ ۳۹۹۴

تاریخ داخلہ آخر آبان سنہ ۱۳۲۱ ف

نام کتاب کتاب عقائد

فن کتاب

نمبر کتاب در فن مذکور

Call No. الف ۲۷/۱۲

Author جمال خوانساری

Title عقائد النساء



هذا

کتاب عقاید النساء موسوم بکلثوم ننه

در بیان اقوال و افعال و واجبات و مستحبات

و مکروهات زنان بفتوای علمای خمسه

اعنی کلثوم ننه و بی بی شاه زینب

و خاله جان آقا و باجی یاسمن و دده بزم آرا

از تصنیفات جناب علامه فهامه آقا جمال

خوانساری بسعی و اهتمام جناب آقا میرزا احمد

ملک الکتاب شیرازی





برآینه ضمیر ارباب اپوشیده نماند که این مختصریست در بیان اقوال و افعال و واجبات و مندوبات زنان و محرمات و مکروهات و مباحات ایشان و این مشتمل است بر مقدمه و شانزده باب و خاتمه و مسمی به عقاید النسا اما مقدمه در اسامی علما و فضلا و فقها و فضیلت آنها بدانکه افضل علمای زنان پنج نفر اند اول بی بی شاه زینب دوم کلثوم ننه سوم خاله جان آقا چهارم باجی یاسمن پنجم دده بزم آرا آنچه از اقوال و افعال اینها باشد نهایت وثوق دارد و محل اعتماد است و بغیر از این پنج نفر علما بسیار اند ذکر آنها موجب طول کلام است بدانکه بزنی که سنّی داشته باشد پیری و خرافت او را در یافته باشد افعال و اقوال او وثوق تمام دارد و هر زنی که خلاف فرموده ایشان کند آثم و گناهکار باشد باب اول در بیان غسل و وضو و تیمم باب دوم در بیان نماز باب سیوم در بیان روزه باب چهارم در بیان نکاح یا در شب یا در روز باب پنجم و ششم

در بیان

در بیان زائیدن و اعمال آن باب هفتم در بیان حمام رفتن باب هشتم در بیان سازها
و افعال آن باب نهم در بیان فعلها و اوقات آنها باب دهم در بیان معاشرت زنان
باب یازدهم در بیان سطوخانی که نذر واجب میشود باب دوازدهم در بیان
تعویذ بجهة چشم زخم باب سیزدهم در بیان محرم و نامحرم باب چهاردهم در بیان استجابت
دعا باب پانزدهم در بیان مهمان بخانه آمدن باب شانزدهم در بیان صیغه خواهرخواندگی
خاتمه در بیان چهارشنبه سوری باب اول در بیان وضو و غسل و تیمم بدانکه اجماعی علمای
زنان است که وضو و غسل واجب است مگر در چندین موضع وقتیکه دست حنا یا نگار
بسته باشد یا ابرو گذاشته باشد یا زروک چسبانیده باشد. در اینصورت ترک وضو و غسل
واجب است واکثر علمای مذکور نگار را تا سه روز ساقط میدانند و میگویند چنانکه
بی بی شاه زینب در پنج روز یا شش روز وضو را ساقط میداند چنانکه در حالتیکه نگار
بسته باشد قبل از پنج روز وضو ساختن حرام است و دیگران مکروه دانسته اند روز ششم
او نیز مکروه میداند اما غسل هرگاه جاریه داشته باشد و یکی از مادر زن و خویشان حاضر
نباشد که از شوهر مخبر باشند یا شوهر را ایمن ندانند چون زن بحمام رود و شوهرش
با جاریه مقاربت نماید در اینصورت ترک واجبست هرچند مدتی باشد کلثوم ننه
تا یک هفته را در اینصورت ساقط میداند و بعضی بیشتر و بعضی کمتر گفته اند اما باجی یاسمن
تا یکماه جایز دانسته کسی با او موافقت در این قول ننموده و قول او باحتیاط اقرب نیست
و دیگر هرگاه دلتنگ زن کهنه یا پاره باشد و شوهرش او را وعده کرده باشد مادامیکه
شوهرش نخرد غسل ساقط است و این قول اجماعی است اما خاله جان آقا و دده بزم
آرا گفته اند که اگر زن برادرش که او را باصطلاح جاری گویند لنگ گرفته باشد

فعل حرام کرده است وبعضی مکروه دانسته اند وقول اول اقوی است ودیگر هرگاه
مرد اجرت حمام نداشته باشد یا از خانه بیرون رود غسل از ان زن ساقطست هر چند
چند وقت گذشته باشد وبعضی تا سه روز قایل شده اند آما دده بزم آرا گفته که اگر
مرد اجرت حمام بعد از انکه زن از مال خود خواهد داد جایز است که غسل کند
وکسی با او درین قول موافقت ننموده واین خالی از اشکال نیست باب دوم در بیان
اوقاتی که نماز ساقطست وترک آن واجبست اول در شب عروسیها دوم در وقتیکه
سازنده وتقاچی آمده باشند سوم وقتیکه زن خویشان خود را در حمام ببیند لازم است
که ترک نماز کند واحوال شوهرش بخویشان گوید چهارم روزیکه بموعظه شنیدن میرود پنجم
روزیکه جامه نو پوشند وترسند که در حال رکوع خورد وضایع شود در این صورت خاله
جان آقا تردد دارد وگفته ترک نماز مستحب است نه واجب واین قول خالی از قوه
نیست ششم روزیکه زن زینت عید کرده باشد یا زنی بعروسی رفته یا زنیکه شوهرش
در سفر مانده باشد این قول اجماعی است وبعد ازین اوقات در موضع
دیگر ترک نماز وروزه می باشد چون سندش ضعیف بود واختلاف
داشت ایراد نشد باب سوم در بیان روزه بدانکه زنان را چندین
روزه می باشد که بآن روزه بمطلب خود میرسند اول روزه مرتضی
علی وآداب آن این است که با هیچ کس حرف نزنند واز جهت افطار بخوانها
رفته گدائی کنند باین نحو که عاشق بدر خانها رفته وبا دست در بکوبد واز وجه گدائی
برنج وماست وخرما بخرد ودر وقت عصر روز با پرهیز کرده چلو را طبخ کرده
شب با تنها افطار کنند وکلثوم ننه وباجی یاسمن را عقیده آن است که



عاشق را الغربال بزنند و این احوط است و دده بزم آرا گفته بهتر است روزه را
روز دوشنبه بگیرد و این قول اقوی است دوم روزه سفید بهم ماه رجب است
تا ظهر است که تا ظهر آن روز باشند و ظهر باید بخورد و افطار بکنند و قند کنند و بی بی
شاه زینب گفته که پول بکنند و قند از گدائی باید گرفته شود سوم باز روزه مرتضی
علیست و این است که از هفت خانه آب چاه باید گرفته شود و با این آبها
افطار کنند و دو رکعت نماز نیز بگذارد و بی بی شاه زینب گفته که باید از گدائی
یک شمع و یک کوزه بگیرد و کلثوم ننه شمع را مستحب میداند و این مسئله در وجوب
و استحباب خلافی دارد و خاله جان آقا گفته این روزه را دختر نذر کند که بشوهر
خوب و دلخواه برسد و بر سر زن دیگر که هوو باصطلاح گویند نکند و مطلب او
برآورده شود و بی بی شاه زینب و کلثوم ننه و دده بزم آرا گفته اند که از جهة
بخت گشادن دختران و زود بشوهر رفتن ایشان باید بمناره شهر که چون برنجی
رفته بگوید آی مناره گون برنجی حرف میزنم نرنجی میان من دسته میخواهم مرد
بکمر بسته میخواهم پس با مقعد گردکان را بشکند و کلثوم ننه میگوید گردکان را

ازطرف راست بقعد لبشکند و ایضاً کلثوم ننه گفته که اگر دختر سرین پر گوشت داشته باشد نتواند کردکان را بشکند کردکان را بر زمین گذارد و بر روی پلهای منار تخته بر روی بگذارد و مقعد خود را بر تخته زند که باستعانت تخته کردکان لبشکند واین خالی از قوتی نیست باب چهارم در بیان نکاح واجب است که تمامی



بند ها حتی بند زیر جامه را بگشاید و طشتی سرنگون بگذارد و در زیر تخت چراغ بسوزاند از روغن طعام و بر روی زین بنشیند و باجی یاسمن گفته که اگر در جای باشد که زین یافت نشود بعوض آن پشتی بگذارد و دست را بر بند ازار کرده نبات بران نهد و بی بی شاه زینب آنرا واجب میداند و دیگران مستحب میدانند و کلثوم ننه گفته که هل نیز میان دست خود بگیرد و خاله جان آقا گفته که آن نباتی که بر بند ازار گذاشته در وقت بیرون آوردن بدست خود بدهن داماد بگذارد که در نظر داماد بسیار شیرین مینماید واین قول خالی از قوتی نیست و دیگر چادری که شوهر آورده در وقت عقد بر سر عروس باید انداخت و جمیع علمای زنان اتفاق دارند که در وقت عقد نباید بست زیراکه نقشی در نکار داره گویا کرد دارد و کار

عروس کرده میباشند و خاله جان آقا گفته که عروس در وقت عقد بر آئینه نظر کند
و دده بزم آرا گفته که در عقد مستحب است که تخم مرغ بدست خود بگیرد و در وقت
برخاستن رو بقبله آن تخم را به دیوار زند و کلثوم ننه اصرار نموده اند و خاله جان آقا
ذکر کرده که دختری که خواهد بختش باشوهر باز شود ابریشمی سبز بسوزن باز کشیده
در وقت نشستن عروس آن سوزن را فرو کند در چادر رولحاف بردارد و بر سر خود زند
که مجرب است و بی بی شاه زینب گفته که نقش عروس فرستادن جا بجائی مستحب
است و خاله جان آقا گفته که دختران مادامیکه بشوهر نرفته باشند نوره کشیدن مکروه است
و باجی یاسمن گفته باید ازاله مو را به بند انداختن بکند و دده بزم آرا بسوزانیدن قائل
است و بی بی شاه زینب گفته که مکروه است دختر ازاله کردن مو هر چند صد ساله باشد
و موئیش بیچاره یک باشد یا بیم زرع و اما کسی درین قول موافقت نکرده و دختر را
که برای شوهر بحمام میبرند لخلخه باید بمالند که بدن و فرجشان نرم و نازک شود
چنانکه مناسب این مقام شاعر گفته سینه اش از بسکه نرم و صاف بوسه از
لغزش نایستد تا بناف و مصالح اجزای لخلخه کتیرای سفید و گل خطمی و عرق بنفشه
عنبر نیست و باجی یاسمن گفته که داخل کردن مشک واجب است و بعضی مستحب
میدانند و بعضی مکروه میدانند و دیگر بند انداختن دختران و گرفتن ایشان را کلثوم
ننه مستحب میداند و بعضی واجب و این قول اقوی است و اعتقاد اکثر آنست که دختران
را وقتیکه دربلیا شند از جهت شوهر کردن دعا کنند و حاجت طلبند واجب است
و در وقت دلاله آمدن زینت کردن و در پشت کار نشستن که هنر خود را بدلاله
ظاهر سازند واجب است و بی بی شاه زینب پشت کار نشستن را مستحب میداند

و این اصح است و باحتیاط اقرب است باب پنجم در بیان اقوال و افعال
شب زفاف است و روز آن بدانکه گریستن عروس و مادر آن در شب عروسی
واجب است و بدانکه داماد محرم بجمیع زنان است و ددو و بزم آرا گفته داماد با
هر زنی دستبازی و ملاعبت می تواند کرد و باجی یاسمن و سایرین علما
آمدن مادر عروس را حرام می دانند و واجب است عروس و داماد در شب
زفاف پای راست را بر پشت پای یکدیگر و هر یک که پیشتر گذارند دیگری ساقط
می شود و کلثوم ننه گفته که اگر شوهر مقدم دارد بر عروس غالب آید و اگر عروس

مقدم دارد بر شوهر غالب شود و این معنی تجربه شده است و اگر کسی عمداً ترک کند
ترک یکی از فرایض کرده باشد و آثم است و اگر فراموش کرده باشد قضا کند
هر چند سال گذشته باشد دیگر در وقت عروس آوردن شمع عروسی می باید
محاذی رخت عروس باشد و از عروس پیش [illegible] نباشد و خاله جان
آقا سه زوج دو را تجویز کرده و نقاره و سرنا و کسانیکه از عقب عروس می آیند را
دلیل باجی شاه زینب و خاله جان آقا و کلثوم ننه واجب میدانند و الحاخانه عروس

باداماد باید غیرت بدهند و کلثوم ننه واجب می داند و باجی یاسمن گفته که عروس را
مادر خودش یا خواهر و لاله نصیحت و تعلیم کند که با شوهر حرف نزند. و چیزی نخورد تا شوهر
باو چیز چیز نبخشد و یا بگردن بگیرد واین را باصطلاح زنان دندان گلی گویند. وهیچیک از
علما دراین باب اختلافی نکرده اند و شب زفاف اگر با ننه گی باشد
باجی یاسمن گفته که عروس ته دیگ خورده و دیگر نبات بدهن یکدیگر ریختن واجبست
و از شیربرنج کاری بهاست و آئینه نظر کردن بر هر دو واجبست و بی بی شاه زینب
گفته که نقل بر سر عروس ریختن واجبست و آن زنان که حاضراند واجبست که نقل را
از سر عروس بربایند و اینرا باصطلاح کشتالیش گویند و خاله جان آقا گفته که اگر نقل بر
سر مندیل داماد مانده باشد هر که آنرا برباید بجهة هر مطلبی بخورد البته مرادش برآورده
شود و دایره زدن واجب است و خواندن زنان بصدای بلند که بادا باد مبارکبادا
بادا خانم مبارکبادا امشب چو شبست شب وصال است امشب این خانه
پر از شمع و چراغست دیگر آقا مبارکبادا خانم مبارکبادا تا آخر اجماعی علماست و
خواندن این تصنیف واجبست و دیگر رختخواب عروس و داماد را باید زنی بیندازد
که شوهر نداشته باشد و شوهر نکرده باشد و شوهر دوست باشد و در شب عروسی
بر همه زنان واجبست که در پشت دیوارها و پنجره های اوطاق بنشینند و گوش دارند
و سخن ایشان را از هر فعل و از هر قول بشنوند و ببینند که در وقت نماز را ترک
کرده نقلهای ایشان را ذکر نمایند و عروس را بمجلس در آورند. و دایره بزنند و رقص
کنند و اگر در شب مقاربت شده باشد باز همان بیت را بخوانند و اگر عروس باکره
باشد خونی که از بکارت او مانده که او را باصطلاح زنان نشان گویند بسینی

گذاشته در آن مجلس نظر بکند بکر رسانیده قاجوس دلنسوبان سرخ روشوند و خاله
جان آقا گفته که بهتر است که آن سینی از نقره باشد و کلثوم ننه گفته که اگر مقدور باشد
از طلا بهتر است و دیگر بهتر است که آنرا در زیر گلاب بدهند که اول پسر زاید و
این قول قوتی دارد و باب ششم در بیان زائیدن زنان زاهو و اعمال متعلقه
بدانکه در وقتیکه درد گیرد و دیر زاید و دیر فرزند متولد شود معالجه که از برای زود متولد
شدن آنستکه که ماما خطاب کند بطفل و اشاره بفرج زاهو کند و بگوید ای طفل زود
بیرون بیا که همه چیزت آماده است رخت از برای تو دوخته اند و آب بجهت شستن
تو گرم کرده اند و این مجرب است و وقتی که وضع حمل شد زاهو را برخت خواب
بخوابانند و طفل را نزد مادر بر زمین بگذارند تا شش روز زاهو را سفیدآب بر رو مالند
و ابرو را بگذارند و خال و سبیل را نیز بگذارند و باید که رختخواب سرخ نباشد زیرا که آل ضرر
میرساند و برای دفع ضرر آل ماما باید شمشیر برهنه در دست گرفته چهار طرف اطاق
را با شمشیر خط بکشد و در وقت خط کشیدن بگوید خش میکشم خش خش کی خش کی
خش ماما زاهو در خواب بگو یا خش کشیدم و این واجبست و باید خش بگوید نه خط زیرا که



آل ضرر میرساند و ده ده بزم آقا گفته که شمشیر را غلاف کشیده بر سر زاهو گذارد تا

حمام رفتن و این مجربست بجهت دفع آل و آنچه علما گفته اند در صورت آل و ضرر رسانیدن
آن بدانکه آل ضعیف اندام و ضعیف صورت است و موی سرخ دارد و بینی او گل است
چنانکه کلثوم ننه در وصف او گفته آل ابیشناختن بو و شکل کبیر او سرخ و بینیش از گل
که بینی بچه او را تا از زاهو جگر بدزدد و دل آنجا جگر زاهو را میدزدد و در آب
میکند و اکثر علما گفته اند مادامی که از آب نگذشته علاج آن ممکن است و این میتوان
کرد علاج را که اسپی بیاورند و در دامن زاهو جو ریخته اسپ بخورند و اگر به آب
رسانیده باشد علاج پذیر نیست و طفل شش شب باید در زمین بخوابد و مادر شش
شب هفتم باید او را بگهواره ببندد و آن شب را باصطلاح شب خیر گویند
که شیرینی و خشکبار حاضر کنند و ماما طفل را بدست گرفته بدستمال به پشت طفل
ببندد و اشیاء مذکور که باصطلاح توشه گویند طفل را اندکی بدهد و بحضار
بگوید باین نحو که مذکور میشود بگیر بچه را و طفل را یکی از دست ماما گرفته و بگوید بچه را
بستان و بعد از آن بگوید خدا نگاه دارد و بچه را و طفل را بگیرد و بقول ده
ده بزم آرا هر یک از زنان چیزی بماما بدهند و گفته اگر چیزی نداشته
باشند اگرچه یک سوزن سنجاق هم باشد بماما بدهند و خاله جان آقا گفته که
واجبست گردکان را بالای گهواره بشکنند و در حین شکستن ماما رو بطفل کرده
بگوید که صدائی میشود نترس و اگر پدر و مادر نزاع کنند نترسی و اگر سگ و کلاغ
با هم صدا کنند نترسی و دیگر زاهو را وقتیکه بحمام میبرند باز گردکان
را زیر پای خود باید بشکند و این خالی از قوه نیست و سه عدد پیاز یا پنج
عدد در وقت زائیدن یا خوابانیدن نزد او بگذارند و باید پیاز

بار امیخ آهن بکشند و در روز بحمام رفتن باید زائو پیاز با را از میخ بردارد و
باب روان اندازند و دده بزم آرا گفته که مغزان گردکان را زائو که بپای خود
شکسته بخورد و ایضا دده بزم آرا گفته که قاوت نیز زائو باید بخورد و کلثوم
ننه گفته که این قاوت باید از نخود و قند باشد و باجی یاسمن گفته که از چیز
دیگر نیز تجویز کرده بعد از آن که زائو را از حمام بیرون آورند باید که سفیدی
تخم مرغ را برآرند و نبات و هل و دارچینی بر او پاشند زائو بخورد
و بعضی هفت عدد گفته اند و نه عدد نیز گفته اند و آن کسانیکه با زائو هستند
مستحب است که هر یک یک عدد یا بیشتر بخورند و دده بزم آرا گفته که هر گاه
از شمع عروسی چیزی مانده باشد در سر حمام سوزانیدن مستحب است و بعضی
بوجوب قائلند -

باب هفتم در بیان حمام رفتن

بدانکه اکثر علمای زنان گفته اند که ستر عورت پیش واجب نیست و باجی
یاسمن گفته و اعتقاد اینست که هیچیک از پس و پیش واجب نیست و در
وقت صابون زدن خصوصا مالیدن که باید لنگ بردارد و در وقتیکه
لنگ نو باشد واجب است که سراسر نوبت بشوید و بی بی شاه زینب
این را واجب میداند و ظاهرا احوط باشد بدانکه آداب نوره کشیدن
اولا باید همگی حلقه بزنند و کشف العوره نموده نوره بکشند و اختلاط
نمایند و کلثوم ننه را اعتقاد آن است اختلاطی فیما بین زن و شوهر گذشته
باشد آن را نقل باید کرد و دادا ماکولات سر حمام باید خورده شود نزدیک
و ثب واجبست و خاله جان آقا گفته که ترشاله در حمام خوردن بجهت دردسر نافعست



و باجی یاسمن گفته کوکو و شامی و ماهی خوردن که از شب مانده باشد سنت
سوکدست و خیار نیز تجویز کرده اند و گفته اند که خوردن آلوچه و نارنج و خربزه و
هندوانه با احتیاط اقرب است باب هشتم در بیان سازها
و فعل آنکه بدانکه دایره ثواب عظیم دارد خصوصاً پهن حلقه و هیچیک از علما
اختلاف نکرده اند و واجب است که در هر خانه که بوده باشد و آن
اوقات که دایره یافت نشود کلثوم ننه گفته در عوض در و پنجره و کرسی
و سینی میتوان زد و اگر هیچیک از آنها یافت نشود کلثوم ننه گفته که دست
بر هم زنند و این خالی از قوه نیست باب نهم در بیان فصل
و اوقات آنهاست بدانکه سیزدهم صفر و چهارشنبه آخر صفر که در اصطلاح
چهارشنبه سوری گویند واجب است زدن سازها چون بلا از آسمان
نازل شود بسبب زدن ساز دفع بلا میشود و عروسیها و عیدها و حنابندها
در وقت آمدن سفری و متولد شدن فرزند در این وقت زدن ساز

واجبست و در سایر اوقات مستحبست در وقت آمدن نقارچی واجبست که نقاره
بزنند که بودن نقاره شگوم بدا ست و که نقاره چی از خانه بیرون رود و خاله جان آقا گفته که
واجب است همهٔ زنان بدر خانه روند و اگر زنی در نماز باشد واجبست که قطع نماز کند
و باجی یاسمن گفته که باید زنان بر نقاره چی سلام کنند و این مستحب است و اما گرفتن
از نقارچی نامحرم است باعتقاد باجی یاسمن و دده بزم آرا و این قول خالی از قوة
نیست کلثوم ننه گفته که در وقت غروب آفتاب مستحب است که نقاره بکوبند و
باجی یاسمن واجب دانسته و این اجماعی است و هرگاه زنی ابتدا ابکاری کرده باشد
و صدای نقاره چی بشنود بهشت بر او واجب است باب دهم در بیان معاشرت
زنان با شوهران و مادر خوانده بدانکه زن از شوهر وقتی راضی میشود که زن دیگر
نگیرد و در روز و شب با او صحبت دارد و هرچه او را امر کند بزودی بعمل آورد
چنانکه دلخواه او باشد و در هر وقتی از اوقات که شوهر از خانه بیرون رود چیزی
بیاورد و بی بی شاه زینب گفته که هرگاه او برای تماشا بکوچها و حمام رود منع نکند
و ایضا بر شوهر واجبست که روز بزن گوید که هرگاه خواهی بجای بروی از برای تماشا
برو و دده بزم آرا گفته که پول باید داد بزنان بجهة آجیل ایشان و این خالی از
قوة نیست و اجماعی علما است که عروس با مادر داماد دشمنی کند همچنین مادر شوهر
بعروس نیز دشمنی کند اگر در دل با هم دوست باشند باید در ظاهر با هم دشمنی بکنند
که از جمله واجبات است اما کلثوم ننه گفته که اعضای یکدیگر را بدندان بگیرند و نهایت
شدت و غضب بکنند و بی بی شاه زینب از قول مرشد خود ابلیس لعین گفته که
هرچه مادر شوهر گفته بر خلاف او بعمل آورد و ایضا بر عروس واجبست که روز و شب

دروغ و افترای بیشمار از قول شیطان ملعون بشوهر نقل کند هر وقت که مادرشوهر
از عقب بگذرد واجبست برعروس که او را بنجه کند و اینرا ترک نکند که ثواب بسیار
دارد و باصطلاح زنان اینرا لقمه گویند و آنچه با مادرشوهر کند بشوهر بگوید که خواهرش
هر وقت محبت و مهربانی کند شاید باین سبب کمتر بخانه او بیاید و این قول
قولی وارد باب یازدهم در بیان مطبوخاتی که بنذر واجب میشود اول سمنو
بدانکه وجه تسمیه سمنو خلافست بی بی شاه زینب و خاله جان آقا را اعتقاد آن است
که وقتیکه سمنو را وضع کرده اند سی من آرد و یکمن گندم بوده است و باجی یاسمن گفته
که سی من آرد و سه من گندم بوده است و آن دو نفر قایلند سمنو است از کثرت
استعمال سمنو شده است کلثوم ننه گفته که سی من آرد و یکمن گندم معلوم نیست
و این سمنو بدولت یاد واقع شده است و وجه تسمیه آنست که چون مصالح و اجزای آن
سه چیز است که آرد و گندم گویند از این جهه سمنو گفته اند و بعضی بحث کرده اند که پنج
چیز است گردو بادام نیز دارد و بعضی گفته اند دو چیز وقتیکه واضع وضع کرده
بود ندانسته بود بلکه در آخر تصرف کرده ظاهرا قول اول اصح است و جمیع
علما را اعتقاد آن است که از اعاظم نذورات سه چیز است اول هر طبخی که خواهد
از آن میتواند نمود خواه آش دوم شله زرد است در ماه محرم پخته شود و این
قول ضعیف است باجماع هر وقت که خواهد تواند پخت سیم حلوای سوهان که از
سمنو پخته کلثوم ننه گفته که بعضی میبافند خوبست و بعضی نمیبافند بد است چهارم
آش قلمکار هم آن نیز می شود و احتیاج بذکر ندارد باب دوازدهم در باب
تعویذ و چشم زخم بدانکه مهرهای کبود که خرشتر باشد دوم شاخ آهو سیم ناخن پلنگ

وکلثوم ننه گفته که آن شاخ باید بنقره گرفته شود چهارم مهره سفیده که آنرا کس کربه گویند باصطلاح زنان واین تعظیم تر است پنجم نفس حمار و بقول اصح باید نفس حمار کهکه باشد از خرهای خرک وبعضی گفته اند که هرچه بزرگتر است بهتر است ششم پارچه کبود باتفاق باجی یاسمن گفته که از جمله تعویذات جلیله است و خاله جان آقا گفته که باید پارچه کبود را در روز چهارشنبه پیش چشم بربندد هفتم باباقوری که آنهم مهره ایست واین قول احوط است واثر عظیم دارد واز این مقوله بسیار است که ذکر آنها موجب طول کلام است وبعضی پنبه چهل رنگ گفته اند وکلثوم ننه گفته که این پارچه پنبه باید هریک از جائی باشد ولازم است که از جائی که داغ فرزند ندیده باشد وفرزندش مانده باشد واین قول قوتی دارد هشتم اسفند سوزانیدن بهتر آنست که در غروب باشد واکثر علما قایلند که باید اسپند از پول گدائی باشد وکلثوم ننه گفته که باید روز چهارشنبه خریده شود واین احوط است ولی بی بی شاه زینب گفته که هرگاه بخواهد اثرش بیشتر باشد بهر دکانی که بجهة خریدن اسپند روند بگویند اسپند داری بابا چون گوید بلی



دارم از آنجا بگذرد و بدکان دیگر رفته بخرند واین احوط است وآداب سوزانیدن آن است که در شب جمعه بسوزانند باعث اینکه اثر بسیار بهانی شود ودر کف پا مالیدن

آن غفلت را ببرد و در وقت سوزانیدن اسفند بگوید بترکد چشم حسود
بیافتد بر منافق و جهود و بعد از آن کسی را که دیده اند بگوید و از سیاهی اسفند که بعد
سوخته شد باید که بر کف پا و دست و سر بینی ایشان کشیده شود که تاثیر عظیم
دارد و خاله جان آقا گفته و باجی یاسمن نیز گفته در بردن طفل بالیده و این
اهوط است باب سیزدهم در باب محرم و نامحرم بدانکه کسانیکه نامحرمند
عمامه بسر بندد اگرچه طفل باشد و کلثوم ننه گفته که اگر عمامه بسر سواره باشد حرمتش بیشتر
است و از این بدتر اند طالبان علم هرچند کلاه بسر باشند که گریختن از ایشان واجبست
اما آنانیکه محرمند نقارچی و سبزی فروش و پنبه عوض کن و زردک فروش و یهودی
که در خانه ناگهان بگریزند و گاو بند فروش و گله و کلاه بسر هرکه باشد بغیر از طالب علم که
گریختن از ایشان واجب است و دده بزم آرا اعتقاد آنست که اگر از یهودی
در وقت زربفت فروختن بگریزند فعل حرامی کرده اند و دده بزم آرا گفته از آنکه بزاز
میفروشد بگریزد و کلثوم ننه گفته که از هیچ نباید گریخت و بعضی از علما کاهو فروش
را داخل کرده اند و قول صحیح نیست باب چهاردهم در بیان استجابت
دعای زنان در چند جا دعای ایشان مستجابست اول در وقت بار کردن دیگ



حلیم و آش و برکت ریختن و باجی یاسمن گفته که در وقت گندم ریختن به هیچ دعا رد
نمیشود و هم در وقت زدن نقاره هیچ دعا رد نمیشود بخصوص این دعا را بخوانید علی الله
فتوکلوا ان کنتم مؤمنین و من علامة المتوکل ان لا یخاف غیر الله عز و جل در این وقت
هیچ دعای بد در حق کسی نکنند ششم در وقت زدن نقاره و هر ساز خواه سرنا باشد خواه
کمانچه و امثال اینها و باجی یاسمن گفته که در وقت طوطک زدن البته دعا
مستجاب است و این خالی از قوه نیست چهارم و پنجم تر و حنای عروسی باجی یاسمن گفته و
دده بزم آرا نیز قائل است و همچنین واجب است که دعا کنند و عار و ننگ نمیشود ششم و شب
زفاف که باید دو ره هم بنشینند و حرفهای شیرین در میان آورند که باعث خوشنودی مادر
عروس شود هفتم در وقت میوه بستن باید روزیکه انگور یا خربزه می بینند بگویند خربزه که نمیدانم
برای خرجی خانه آن خربزه و انگور را بلا است بخورند هشتم جا کردن آذوقه سالیانه است که باید
آش عدسی بپزند که باعث برکت است نهم وقت عقد بستن و وقت تولد فرزند و هم در
وقت آمدن مهمان بخانه و بیرون رفتن بدانکه اجماع علما است که مهمان بخانه باختیار خود تا سه
روز بیشتر نمیتواند ماند مهمان را شب چهارشنبه نباید آورد که خیر و برکت خانه میرود و اگر نباشد
که مهمان شب چهارشنبه بیاید باید که احوط شود در آنکه حتی شوهر و طفل شیرخواره را با گهواره بیاورد
و این واجبست و باجی یاسمن گفت سنت مؤکد است و اگر چهارشنبه مهمان بیاید در خانه چیزی نخورد
برگردد قصوری ندارد و این را باصطلاح شب نشستن میگویند و دیگر از اهم است که جا خالی مهمان
هر چه باشد بگذارند مستحب است که در جا خالی سیب سرخ و به و لیمو و نارنج بوده باشد و
کلثوم ننه که بجهت جا خالی گل همیشه بهار و لاله و گل ختمی و بعضی گل محمدی را نیز داخل کرده اند
و در شب جمعه نباید کسی از خانه بیرون رود زیرا که خیر و برکت آن خانه را بیرون میبرد و این اجماعی

علما است و بعضی گفته اند که اگر سفری داشته باشد شب جمعه مهمان نمی آید بخانه آورد
و هر چه پخته خیر و برکت داشته باشد و این قول اند که ضعیفی وارده جاخالی فردای
آن شب بفرستد و بی بی شاه زینب گفته که یکروز بعد از آن احوط است و باجی یاسمن
گفته که در باجاخالی فرستادن کوتاهی نکنند که از گناهان کبیره است ترک جاخالی کردن بلکه
هر کس ترک کند جاخالی مهمان را نخواهند خیر و برکت با او نمیرسد بدانکه اجماعی علما است که هر دو
سنی کسی را هم باید جاخالی فرستاد و این قول خالی از قوت نیست طریقه خواهر خواندگی جمیع
علما اتفاق دارند باید زن خواهر خواندگی داشته باشد و اگر زنی بمیرد و خواهر خوانده
نداشته باشد هیچ امید بهشت داشته باشد و کسیکه خواهر خوانده داشته باشد و
تمام اوقاتش را صرف او کند در قیامت برای حساب نخواهد بود و او را بی حساب داخل
بهشت کنند و بی بی شاه زینب گفته که اگر عمداً ترک کند اثم و گناه کار خواهد بود و بدین
یهودی و نصرانی خواهد بود

باب شانزدهم در بیان صیغه خواهر خواندگی

باید در روز عید غدیر خوانده شود و بغیر از این روز صحیح نیست و باید در یکی از امامزادها
خوانده شود و هو اولی و افضل مستحب است و بعضی بوجوب قائلند و قول اول قوی است
و مستحب است که شربت بخشی کنند و کیفیت صیغه خواهر خواندگی بقول کلثوم ننه آن



است که گوید بحق شاه خیبرگیر و دیگری گوید بمن تو خواهر خود بده و دیگران نحو دیگر گفته اند
و درین باب اختلاف دارد اما این اقوی است و ده دستمال چنانکه باید خواهر خوانده داشته باشد
باجماع علما ده واند و هست اول دستمال غنچه بند و طریق بستن ان اینست که باید بر پیشانی
دست راست بندد دوم اینست در میان قصبه که زنان میبندند بسته شود سیم
دستمال طرف گوشه بند و طریق ان اینست که بر پشت سر بندد چهارم دستمال اجیل بند که باید در پهنا
داشته باشد بجهت منقل بستن پنجم دستمال زلف بند است و طریق بستن آن اینست که
یکطرف پیشانی و یکطرف زلف بگیرد ششم دستمال چکچکی که باید در آخر روز در زیر دقن بندد و سر آنرا
بر آورده در پشت سر گره زند هفتم دستمال نار بند است که آنرا در بازو بندد و در هر وقت
که از بازو بگشاید در عمر خویش بخت سفید بیند هشتم پال بند باید او را بر بازو بندد نهم دستمال
ونغ بند باید او را بامین دست و مرفق بندد دهم دستمال مکن باید او را بپشت دست بندد و نحویکه
انگشت بزرگ را بگیرد یازدهم دستمال حقه بند و طریق بستن آن اینست که باید بر ران بر روی زیر
جامه ببندد و دیگر هر کاه خواهند که خواهر خوانده شود بدون نباید دیگر او ان معتبری که نهایت
اعتماد براو داشته باشد که او را باصطلاح بابا گویند و عروسچک بسازند از موم
و کلثوم ننه گفته که عروسچک در اصل عروس بود و از کثرت استعمال چک شده و سایر علما
گفته اند که عروسچک تصغیرست مثل پسرک و دخترک و غلامک و باید عروسچک و در میان
شیرینی اندازند و خانه بوشی در نهایت زینت یا یکخوان شیرینی درست کرده و عروسچک را در میان
نشانیده از برای آنکه میخواهد با او خواهر خوانده شود و میفرستند اگر آن شخص خواهر خوانده شود با
سر عروسچک نقد و چیزی بنهاد که آنرا باصطلاح زنان کاو بند یا سرانداز بلعیده میگویند
و کلثوم ننه گفته زربفت کاشیست و بعضی گفته اند که رشته سرنا قیست و قول اقل اقوی است

و عروس یک ساله را باید این نحو فرستاد و این یعنی رضا تو نیست و اگر نخواهد که خواهر
خوانده شود چادر سیاه بر سر عروس بکشند گرد و پس فرستند باب هفدهم در بیان
چیزهای که از برای یکدیگر میفرستند اگر چنانچه همگی ذکر شود به آن قیمت کتاب بهما خواهد شد و در اینها
اختلاف بسیار است و آنچه صحیح است آنست که علمای خمسه مذکوره قایل شده اند هیچ
کدام ذکر نکرده اند و را اکتفا اینست پل درست یعنی علم دارم آلبالو یعنی بلا کم آلو یکطرف پوست کنده
یعنی دو علم پاره پاره شده مینجک یعنی بجا بجا هم دارم یعنی توله یعنی قربانت شوم وارچینی یعنی پاره کرده
یعنی بیا هم کلیم چوز درست یعنی من از تو ام هیچ غم مخور جوز یکطرف سائیده یعنی درد و
ضعف دارم این را مالیده ام تو هم بمال نبات یعنی در چشم من شیرینی صندل یعنی
هر وقت تو را می بینم آب میشوم شیشه یعنی دل من نازک شده عناب یعنی علما گفته اند
عنابلب قند تر اقند توان گفت چیزی که بجائی رسد چنین توان گفت زعفران نیز یعنی گفته اند
زردم کردی چیز زعفران سوده تا چند خورم غم تو به هودا انچوچک یعنی حکی فندق
شور نکرده یعنی غصه خورده ام و میخورم فندق شور یعنی همیشه سرا پا داغ تو ام فندق داغ
کرده یعنی آتش بر سرم افتاده در طلب تو فندق کون پهلو داغ یعنی چنانچه آتشم بر دل زدی
آتش بر کونت بیفتد بادام پوست کنده در این باب نیز یعنی گفته اند بادام سپید سر به
آورده ز پوست عالم خبر است من ترا دارم دوست دغال یعنی دشمن رو سیاه شود مرهم
یعنی زحمت مثل موم شده ام کاغذ زرد نیز یعنی گفته اند بیکم زرد از فراق تو شده یعنی دل یک
شده ام دوست و محبت شوهر و از برای زن باعتقاد کلثوم ننه اگر تنگ طلا بفرستد این
معنی دارد تو که از تنگ طلا میخوری سر نای مرا کی میخوری باب درمیان فواید
متفرقه و منافع کثیره باجماع علماست که شب چهارشنبه سوری حاجت مثل سبو و کوزه آنرا بله

پیاب کرده وقت غروب آفتاب از بام یکوچه بیندازند که دفع بلا میکرده کلثوم ننه گفته که در وقت



بردن ظرف بعقب نگاه نکنند که بلا برمیگردد و باجی یاسمن گفته در روز عید بابا شجاع الدین حنا
خوردن مستحب است و دیگر باجماع جمیع علما که سیم ماه روز سه شنبه و چهارشنبه واقع شود یا جمعه
کس از همسایگان یا برادران یا خویشان نزدیک خواهند مرد و علاج این است که
کفش میت را با او در قبر گذارند و دیگر از ضروریات که از جهت زن و برآمدن مطلب است دوازده عید
است که بیت و مقیم ماه رمضان باید سوزانیده شود و خاله جان آقا گفته که اگر خروس در
غیر وقت بخواند باید او را کشت اگر او را نکشند صاحبش میمیرد و این خالی از قوه نیست و اجماع
جمیع علما است و واجب است زنانی که در کوچه و بازار ها هر جا که تفرج باشند بروند و زنی که وضع
حمل او نزدیک باشد در میان ره تفرج اندازند وضع حمل او شود مبارک خواهد بود و نام طفل
را تماشا گذارند و باید در بیست و یکم رمضان بتربت مسجد رفته روضه گوش کنند و اگر
زنی که وضع حملش باشد برود و در میان مردم در آن روز آن فرزند بسیار مبارک است
و اسم او را باید رمضان گذاشت و دیگر [illegible] فال بگیرد و هر شب چهارشنبه
[illegible]
[illegible]

برنج حلوا کنند و به مهمان بدهند بی بی شاه زینب گفته که بر پشت بام برآید و نیت کنند که مهمان کی بیاید
چه خوردنش بدهم هر چه که گویند بدهد که بسیار مجربست و اجماعی علماست که مهمان را از خود شمرند
بخوانند و دیگر آنکه هر گاه مهمان بیزار شود در آن خانه را جاروب کردن حرام است و اگر جارو
کنند باید دو کس باشند یک کس و اگر چهار نفر باشند بهتر است و در روز چهارشنبه و پنجشنبه نباید جارو
کنند که فعل حرامی کرده است **باب هیجدهم** باجی یاسمن گفته و همچنین کلثوم ننه
و اجماعی علماست که فندق سمنو را با خود دارد تا ایمن شود از جمیع بلاها و آنچه که آنرا باید بشکنند
بشکنند بر خلاف تخم خربزه که بدندان بشکنند در وقت تخمه خوردن باید تعارف بیکدیگر کنند و اگر تخمه



را بگوید و تخلوها نخورد کند ثواب بسیار دارد و مضر کرد و را بامونیه نخورد و همچنین آش را
با قاشق و پلو را با پنجه و بست و دهند و خربوزه را با چاقو و بیرا با انگشت و عسل را با روغن و سیر
را با ماست و نخود با ترشی و کشک را با دوغ و نعناع و سبزی کاهو و تخمه **باب نوزدهم** در رقعه نوشتن
به محبوب در طلب دوا و فایده شوهر تصدق گردم شب دارم چهار هم بیدم و عشق گرفتارم
امروز صبح رفتم خدمت طبیب حاذق و نبض خود را نشان او دادم بعد از ادای چند تجویز نمی فرمودند

گه این طریقیست شقره میرحل ـ اکلیل الملک ابرو ـ عناب لب ـ ... دندان

دو دانه ـ دو دانه ـ دو مثقال ـ بیست چهار دانه

نخچین بوسه ـ فرنگ خشم ـ تار گیسوی ـ غبغب زنخ ـ بادام چشم ـ ناوک غمزه

دو دانه ـ دو دانه ـ بیشمار ـ دو دانه ـ قدری

چند سیر توو

لیموی پستان ـ گل برگ صنوبر ـ چاه زنخدان ـ عرق عارض ـ شکر پنیر گردن ـ سشیر

دو دانه ـ خرمن خرمن ـ یک دانه ـ دو قطره ـ یک دانه ـ بیست

خشت دهان ـ شکر ناطقه

مثقال ـ پنج مثقال

حضرت ... کردم اینها را دون نات ساشید ... به پرده محبت صاف کرده که

حقیر میل نمایم چون مجبور نمایم رفتم در دکان عطاران هرچند جویا شدم

نیافت چون در دستم مجبور غلبه کرده بود جویا شدم دوای

حقیر را از خدمت شما حواله دنشان داده ... کرم

لطف و عنایت بفرمائید روا دار جوانی میرود

غم تو هم جوانی را امید نادار

زائل شد

م م م م